

میزگرد: ضرورت بازنگری در سیاست‌های جمعیتی کشور

سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ را همه با روند افزایش جمعیت به یاد دارند. اما در سال‌های پایانی همان دهه، سیاست تنظیم خانواده و تحدید موالید مطرح شد. حال با ورود به دهه ۹۰ کاهش نرخ باروری و رشد جمعیت در ایران، صدای نگرانی در مورد وضعیت جمعیتی ایران به گوش می‌رسد. رشته‌ی جمعیت‌شناسی به عنوان مرجع علمی بررسی موضوع جمعیتی شناخته می‌شود. بنابراین آشنایی با ریشه‌ی شکل‌گیری آن در ایران و نیز نوع نگاه متخصصان رشته‌ی جمعیت‌شناسی به مسائل جمعیتی ایران از ضرورت‌های امروز علوم اجتماعی محسوب می‌شود. به‌منظور بررسی مسائل تخصصی این حوزه از علوم اجتماعی، میزگرد تخصصی با حضور دکتر «سیدرضا معینی»، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و «طه نورالهی» استاد مدعو دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد که متن حاضر حاصل این گفتگو است.

از انقلاب فرهنگی، به‌تدریج سایر رشته‌ها نیز توجه خاصی به دروس جمعیت‌شناسی نشان دادند و این دروس در چارچوب واحدهای درسی برخی از رشته‌ها قرار گرفت.

■ نورالهی: در اواخر دهه ۴۰ شمسی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، رشته‌ی جمعیت‌شناسی در مقطع کارشناسی تأسیس شد که تدریس این رشته تا سال ۵۷ ادامه داشت. اما بعد از انقلاب فرهنگی، بعضی از رشته‌ها تجمیع شدند و این رشته حذف شد. در نتیجه، دانشجویانی که در این رشته تحصیل می‌کردند به اجبار در سایر رشته‌ها فارغ‌التحصیل شدند. اما پس از این رشته‌ی جمعیت‌شناسی وارد سطح کارشناسی ارشد شد. در توضیح این امر باید گفت که به دلیل تغییر و تحول جمعیتی ایران احساس نیاز شد که همه‌ی دانشجویان کشور در مورد مسائل جمعیتی ایران شناخت پیدا کنند. به این منظور بعد از سال ۱۳۶۸ که موضوع تجدیدنظر در تنظیم خانواده و تحدید موالید مطرح شد، وزارت علوم ارائه‌ی دو واحد درسی جمعیت و تنظیم خانواده را در همه‌ی رشته‌ها اجباری کرد. در سایر شاخه‌های رشته علوم اجتماعی (رشته‌ی جمعیت‌شناسی در مقطع کارشناسی وجود نداشت) دروس جمعیت‌شناسی از ۲ واحد تا ۱۰ واحد اضافه شد و این به دلیل نیاز کشور در آن زمان بود. موضوع شناخت و آشنایی با مسائل جمعیتی در سایر کشورها نیز وجود دارد؛ مثلاً موضوع جمعیت در هند به عنوان

کتاب ماه: لطفاً برای شروع بحث، مختصری درباره‌ی گذشته‌ی رشته‌ی جمعیت‌شناسی و نحوه‌ی بنیادگذاری آن در نظام دانشگاهی و اجرایی جامعه‌ی ایران بفرمایید اصولاً جمعیت‌شناسی بر پایه‌ی چه ضرورت‌ها و مناسباتی شکل گرفت؟

■ دکتر معینی: در سال‌های آغازین ارائه‌ی واحد جمعیت‌شناسی در دانشگاه تهران، تدریس درس جمعیت‌شناسی به ارزش ۲ واحد از سال ۱۳۳۶ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران که رشته‌ی علوم اجتماعی هم از زیرشاخه‌های آن دانشکده بود شروع شده بود. در آن زمان آقای دکتر «جمشید بهنام» ارائه این درس را عهده‌دار بود. درس جمعیت‌شناسی در رشته‌ی علوم اجتماعی در کنار واحدهای درسی دیگری مانند جامعه‌شناسی عمومی، روش‌های آماری، روش تحقیق در علوم اجتماعی، روانشناسی اجتماعی، مردم‌شناسی، جغرافیای انسانی و... برای دوره‌ی کارشناسی آن ارائه می‌شد. پیش از این بررسی‌های جمعیتی ارزشمندی توسط مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران انجام شده بود. همچنین دانشگاه شیراز، مرکز مطالعاتی را به عنوان مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز تأسیس کرد که مطالعات جمعیتی انجام می‌داد. با تأسیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، یکی از رشته‌های تحصیلی در این دانشکده، رشته‌ی جمعیت‌شناسی شکل گرفت. بعد



■ **نورالهی:** جمعیت‌شناسی دانش کمی است که مطالعه‌ی ویژگی‌های جمعیت را بر مبنای آمار، عدد و رقم انجام می‌دهد و وقتی که به تحلیل‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و سایر حوزه‌های علوم انسانی وارد می‌شود، به عنوان یک میان‌رشته مطرح می‌شود؛ لذا رشته‌های دیگر از آن استفاده می‌کنند.

کتاب ماه: منابع مختلف آماری چه نقشی در تولید آمار و اطلاعات جمعیتی در کشور دارند؟ علت اینکه سرشماری نفوس و مسکن از هر ۱۰ سال به پنج سال تقلیل پیدا کرد چه بود؟ کاهش فاصله مطالعه‌ی جمعیتی چه ضرورتی داشته است؟ آیا منابع ثبتی نمی‌توانند نقش مکمل را به خوبی ایفا کنند؟

■ **دکتر معینی:** تولید کننده‌های آمارهای جمعیتی در کشور، منابع مستقلی هستند. یکی از این منابع مرکز آمار ایران است که سرشماری‌های جمعیتی را انجام می‌دهد و اولین سرشماری را در سال ۱۳۳۵ انجام داد. مرکز آمار ایران طبق قانون، وظیفه‌ی انجام سرشماری نفوس را به عهده دارد که این مهم هر ۱۰ سال انجام می‌شود. در سال‌های اخیر دولت یک آئین‌نامه‌ای تصویب کرده که سرشماری هر پنج سال انجام شود. دومین منبع، سازمان ثبت احوال کشور است که عمدتاً به ثبت وقایع چهارگانه‌ی تولد، ازدواج، طلاق و فوت می‌پردازد. منبع مستقل سوم وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است که در چارچوب وظایف خود به جمع‌آوری برخی اطلاعات جمعیتی می‌پردازد.

■ **نورالهی:** از آنجایی که در دهه‌ی اخیر تحولات جمعیتی در کشور

یک مشکل ملی شناخته می‌شود به همین خاطر در هند افرادی که با مسائل جمعیتی سروکار دارند، باید دوره‌های تخصصی و آشنایی با مسائل جمعیتی هند را فراگیرند. بنابراین در کشور ما هم با توجه به اینکه در ابتدای انقلاب اسلامی جهشی در علوم اجتماعی پدید آمد و از طرف دیگر کشور با افزایش جمعیت رو به‌رو بود؛ تفکر ضرورت آشنایی با مسائل جمعیتی ایران مطرح شد.

کتاب ماه: چه ضرورتی برای سایر رشته‌ها وجود داشت که به مباحث جمعیت‌شناسی بپردازند؛ برای مثال بعد از انقلاب فرهنگی در رشته‌های تجمیع شده ذیل علوم اجتماعی تا ۹ واحد درسی جمعیت‌شناسی پیش‌بینی شده بود که این یک چهارم دروس تخصصی مثلاً رشته‌ی ارتباطات را شکل می‌داد.

■ **دکتر معینی:** علاوه بر نیازهایی که در رشته‌های جامعه‌شناسی، پژوهشگری، مردم‌شناسی و حتی مددکاری اجتماعی و ارتباطات برای آشنایی با مبانی جمعیت‌شناسی وجود دارد. آشنایی با مسائل جمعیتی برای بسیاری از رشته‌ها لازم است. جامعه‌شناس، روانشناس، آمارشناس، تحلیلگر سیستم‌ها، جغرافیادان، روزنامه‌نگار و... همه نیاز دارند به فراخور رشته‌ی خود، اطلاعاتی در حوزه‌ی جمعیت‌شناسی داشته باشند. وجود رشته‌ی جمعیت‌شناسی یک نوع بینش و آینده‌نگری در مورد جامعه ایجاد می‌کند؛ به طور مثال در مطالعات اقتصادی برای برنامه‌ریزی در حوزه‌ی توسعه‌ی اقتصادی لازم است از وضعیت جمعیت و آینده‌ی آن داده‌هایی وجود داشته باشد.

در دهه‌ی ۶۰ مشوق اقتصادی تاثیرگذار بود، ولی الان کسی

به این مشوق‌ها رغبتی نشان نمی‌دهد. علل این امر را باید

در میان موضوعات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و

روانشناختی جستجو کرد.



راهکارهایی که برای سیاست‌های
جمعیتی و تعدیل آن ارائه می‌دهند به
نظر من در جامعه یک مقدار نگران‌کننده
است. یک عده فکر می‌کنند که همان
مشوق‌های اقتصادی کافی است،
ولی عده‌ای دیگر می‌گویند در کنار
سیاست‌های مشوق اقتصادی باید به
موارد دیگر که مشغله‌ی ذهنی، فرهنگی،
اجتماعی و روانشناختی مردم نسبت به
این موضوع است نیز توجه شود.

خیلی سریع بوده است و از طرف دیگر منابع ثبتي ما آنچنان قوت
ندارند که هر دقیقه تغییرات را رصد کنند، بنابراین تصمیم گرفته شد
که فاصله‌ی مطالعاتی کاهش پیدا کند.

کتاب ماه: طی سال‌های گذشته، کاهش نرخ باروری و رشد
جمعیت در ایران نگرانی‌هایی را ایجاد کرده است؛ به‌طوری که
پیش‌بینی‌های جمعیتی نشان می‌دهند احتمال اینکه جمعیت ایران
از سال ۱۴۳۰ با نرخ رشد منفی مواجه شود، بسیار زیاد است.
در مورد موضوع جمعیت ایران و چالش‌های پیش روی آن، چه
سیاست‌هایی اثرگذار است؟

■ دکتر معینی: برای بررسی وضعیت جمعیتی ایران لازم است که
یک نگاه تاریخی به بحث جمعیت داشته باشیم و تحولات آن را مورد
مذاقه قرار بدهیم. قبل از انقلاب اسلامی تحولات جمعیتی به‌گونه‌ای
بود که ضرورت کنترل جمعیت احساس شد. از سال ۱۳۴۶ رسماً
سیاست جمعیتی کشور در جهت کنترل و کاهش رشد جمعیت اعلام
شد. در وزارت بهداشت و درمان وقت (وزارت بهداشتی) معاونتی ایجاد
شد بود تحت عنوان «تنظیم خانواده» که از نظر آموزشی و اجرایی،
مسائل مربوط به تنظیم خانواده را به عهده داشت. از نظر آموزشی،
سازمان‌های بین‌المللی هم از طریق ارسال منابع، وسایل و تجهیزات
و ایجاد دوره‌های آموزشی به کشور ما کمک می‌کردند. در نتیجه‌ی
این فعالیت‌ها، سرشماری سال ۱۳۵۵ نشان داد که شتاب افزایش
جمعیت کاهش یافته است. به عبارت دیگر اقدامات اولیه‌ی انجام‌شده
در آن زمان به نتیجه رسید.

اما پس از انقلاب اسلامی وجود سیاست سهمیه‌بندی اقتصادی
در زمینه‌های مختلف اگرچه عادلانه بود، اما در پس خود انگیزه‌های

افزایش جمعیت را ایجاد می‌کرد. در آن زمان اگر کسی می‌خواست
برای خرید مسکن مورد حمایت باشد، مهمترین امتیازی که در افزایش
حمایت تأثیر می‌گذاشت، تعداد افراد خانوار بود. این موضوع در مورد
اعطای امتیاز برای سایر وسایل رفاهی زندگی و حتی سهمیه‌بندی
ارزاق صادق بود. به هر حال این زمینه‌ها باعث شد بدون اینکه
سیاست جمعیتی شفافی وجود داشته باشد، شاهد بالاترین میزان رشد
جمعیت کشورمان در بین دو سرشماری در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵
باشیم که در صورت ادامه‌ی همین روند، رشد جمعیت کشور هر ۱۸
سال یکبار دو برابر می‌شد.

از سال ۱۳۶۷ به بعد در مورد وضعیت جمعیتی ایران تجدیدنظر
به عمل آمد و طی کنفرانس‌هایی که در این رابطه برگزار شد، عواقب
افزایش شتابان جمعیت ایران مطرح شد.

اما در سال ۱۳۷۰ یک تمام شماری تحت عنوان آمارگیری نمونه‌ای
جاری کشور انجام شد. اطلاعات به‌دست آمده از این تمام‌شماری
نشان داد که قانده‌ی هرم سنی اندکی جمع شده است. ولی این
به تنهایی نمی‌توانست دلیلی برای کاهش باروری باشد؛ چون در
گروه‌های سنی ۰ تا ۴ ساله احتمال کم‌شماری بسیار زیاد بود. ولی در
سرشماری ۵ سال بعد، داده‌های به‌دست آمده به وضوح نشان داد که
قانده‌ی هرم سنی شروع به جمع‌شدن کرده است و این دلیلی قطعی
بر کاهش باروری بود. از دیدگاه مراحل گذار جمعیتی اگرچه می‌توان
ادعا کرد که در قبل از انقلاب با کاهش اندک باروری می‌توانیم ادعا
کنیم که در آن دوره آغازی برای ورود به مرحله‌ی سوم گذار جمعیتی
را تجربه کردیم، اما بعد از انقلاب با شتاب افزایش جمعیت نوعی
بازگشت به مرحله‌ی دوم مشاهده شد که با چرخشی دوباره پس
از سال ۱۳۶۵ ورود به مرحله‌ی سوم گذار جمعیتی را شاهد بودیم.



در مورد گذار در باروری باید گفت که
مراحل باروری ایران با توجه به اینکه
نوسانات زیادی داشته، به هفت یا هشت
گذار تقسیم شده است.

نگرانی افرادی که معتقدند باید برنامه‌ی
جایگزین مرحله‌ی انتقال سنی را اجرا
کنیم؛ این است که با همین وضعیت
۱۰ درصد جمعیت ایران از سال ۱۴۱۰
در سن ۶۵ سال بیشتر یعنی در سن
سالمندی خواهند بود.

اما در مورد گذار در باروری باید گفت که مراحل باروری ایران با توجه به اینکه نوسانات زیادی داشته، به هفت یا هشت تقسیم شده است. مرحله‌ی اول اوایل دهه‌ی ۵۰ است که یک دوره‌ی طولانی، باروری بالا را تجربه کرده است؛ اما نکته‌ی قابل توجه اینکه هرچند سیاست کنترل و کاهش باروری در سال ۴۶ به‌طور رسمی اعلام شد، ولی قبل از این حتی در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ موضوع تحدید موالید و استفاده از وسایل تنظیم خانواده در جامعه‌ی شهری ایران مشاهده می‌شود.

در مرحله‌ی دوم، روند قبلی ادامه داشت؛ یعنی برخلاف اعمال برنامه‌ی تنظیم خانواده در دهه‌ی ۱۳۵۰، باروری روند ثابتی داشته است که نزدیک به هفت نوزاد برای هر زن بوده است. هرچند در این سال‌ها اندکی کاهش در سطح باروری مشاهده می‌شود که ناشی از ادامه‌ی سیاست تنظیم خانواده و تحدید موالید بوده است، ولی مجدداً باروری در سال‌های شروع انقلاب افزایش یافت. حالا اگر همه‌ی این مراحل را نگاه کنیم، اوج آن در دهه‌ی ۶۰ بوده است که ۶/۵ نوزاد برای هر زن را در سطح باروری می‌بینید. بعد از آن برنامه‌ی تنظیم خانواده مجدداً در جامعه اجرا شد. در نتیجه از سال ۱۳۶۴ اثری از کاهش باروری در کشور پدیدار می‌شود که نقطه‌ی شروع آن از سال ۶۸ بعد از طرح موضوع کنترل جمعیت در سمینار مشهد و اصفهان بوده است.

هدف تنظیم خانواده در سند برنامه‌ی اول توسعه در اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰، کاهش میزان باروری کل به ۲/۳ نوزاد یعنی ۰/۲ بیشتر از حد جایگزینی برای هر مادر تا سال ۱۳۸۹ بوده است. در حالی که وقتی برنامه‌ی اول تمام شد، در اواسط دهه‌ی ۷۰، باروری کشور به همین حد رسیده بود؛ یعنی ۱۵ سال زودتر از آنچه که در برنامه دیده شده بود. حالا باید دید که قبل از سال ۱۳۷۵ چه اتفاقاتی افتاده است که

نکته‌ی قابل توجه این است که در سال ۱۳۹۰ شتاب کاهش باروری بیش از انتظار اتفاق افتاد و قاعده‌ی هرم سنی خیلی جمع‌تر شده بود و به عبارت دیگر باروری نهایی حتی به زیر میزان جایگزینی رسید.

■ **نورالهی:** تقریباً همه‌ی متخصصان در مورد امر بازنگری سیاست‌های جمعیتی موجود هم عقیده‌اند، ولی هر کدام برای سیاستگذاری آینده، نظر متفاوتی ارائه می‌دهند. هر فردی که جمعیت منطقه‌ای را بررسی و مشاهده می‌کند باید دو اصل گذار جمعیت‌شناختی و گذار انتقال سنی جمعیت را ملاک قرار دهد. براساس گذار جمعیت‌شناختی باید گفت که در موضوع باروری، هم رفتارهای اجتماعی و هم رفتارهای روانشناختی تأثیرگذارند و محققین نیز باید به این رفتارها در خانواده توجه کنند. بر این مبنا در اینجا سؤال می‌شود که چرا در بعضی مواقع مشوق‌های اقتصادی مؤثر نیست؟ در دهه‌ی ۶۰ مشوق اقتصادی تأثیرگذار بود، ولی الان کسی به این مشوق‌ها رغبتی نشان نمی‌دهد. علل این امر را باید در میان موضوعات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و روانشناختی جستجو کرد.

در گذار باروری، یکی از عواملی که باعث کاهش باروری می‌شود موضوع گذار مرگ‌ومیر است؛ یعنی کاهش مرگ‌ومیر در کنار باروری است. در دهه‌ی ۵۰ شمسی بر پایه‌ی محاسبات مرکز آمار، از ۱۰۰۰ نوزادی که در آن سال‌ها متولد می‌شد ۱۱۲ تا ۱۲۰ نوزاد فوت می‌کرد و اولین سالگرد تولد خود را نمی‌دید؛ اما الان از هر ۱۰۰۰ نوزاد که متولد می‌شود ۲۵ نوزاد اولین سالگرد تولد خود را نمی‌بیند و قبل از یک سالگی فوت می‌کند. با این وضعیت نمی‌توان گفت که مرگ را زیاد کنیم تا باروری زیاد شود و در هیچ جامعه‌ای عقب‌گرد انجام نمی‌شود.



به نظر من سیاست‌های موجود جمعیتی کشور نیاز به بازنگری دارد و بازنگری‌ها باید با توجه به درس‌های گرفته شده از تجربیات و پرهیز از سیاست‌های افراط و تفریط انجام شود.



مرحله‌ی سوم انتقال جمعیتی افزایش میانسالان است. انتقال سنی نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۰ رسماً این مرحله‌ی انتقال آغاز شده و مرحله‌ی جوانی جمعیت وارد میانسالی شده است. نگرانی افرادی که معتقدند باید برنامه‌ی جایگزین مرحله‌ی انتقال سنی را اجرا کنیم؛ این است که با همین وضعیت ۱۰ درصد جمعیت ایران از سال ۱۴۱۰ در سن ۶۵ سال بیشتر یعنی در سن سالمندی خواهند بود. این به یک برنامه‌ریزی دقیق نیاز دارد. همچنین در این میان موضوع پنجره‌ی جمعیتی مطرح می‌شود که اندیشمندان اقتصادی و جمعیتی کشور معتقدند ضمن توجه به حد متناسب جمعیتی، باید به پایه‌ی هرم توجه لازم را داشته باشیم. باید برنامه‌ریزی کنیم که از سال ۱۴۱۰ به بعد پایه‌ی هرم دوباره تعدیل شود و نیز باید توجه داشته باشیم که حداقل ۱۰ درصد از جمعیت ایران وارد سن سالمندی خواهد شد و برای سالمندان برنامه‌ریزی کنیم.

در خوشبینانه‌ترین وضعیت اگر هر زن ۲/۱ فرزند در سال ۱۴۳۰ داشته باشد، باز میزان جمعیت سالمند کشور ما بین ۱۵ تا ۲۰ درصد خواهد بود. بدبینانه‌ترین حالت این است که کاهش رشد جمعیت و همین‌طور کاهش موالید ادامه داشته باشد و در سال ۱۴۳۰ میزان باروری کل به ۱/۳ فرزند برسد. اگر سیاست‌های اتخاذی جدید تأثیر بگذارد و وضعیت باروری سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ یعنی ۱/۹ تا ۱/۷ فرزند برای هر زن ادامه پیدا می‌کند و اگر سیاست‌ها خیلی تأثیر بگذارد و اندازه‌ی جایگزینی یعنی ۲/۱ باروری کل و یک دختر جایگزین مادر در آینده داشته باشیم، بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از جمعیت کشور را سالمند خواهیم داشت. پس نگرانی‌های هر دو گروه افزایش و وضع مطلوب جمعیت منطقی است. ولی راهکارهایی که برای سیاست‌های جمعیتی و تعدیل آن ارائه می‌دهند به نظر من در جامعه یک مقدار نگران‌کننده است. یک عده فکر می‌کنند که همان مشوق‌های اقتصادی کافی است، ولی عده‌ای دیگر می‌گویند در کنار سیاست‌های مشوق اقتصادی باید به موارد دیگر که مشغله‌ی ذهنی، فرهنگی، اجتماعی و روانشناختی مردم نسبت به این موضوع است

منجر به این واقعه شده است؟ بعد از سال ۱۳۷۵ که میزان باروری کل نزدیک به ۲/۶ بود یعنی حد برنامه بعد از آن یعنی الان که در سال ۹۱ هستیم میزان باروری کل نزدیک به ۱/۷۵ فرزند برای هر زن محاسبه شده است. یعنی حالا ۰/۸ کاهش یافته است. تجربه‌ای که هیچ جای دنیا دیده نشده است که در مدت ۱۰ سال سطح باروری کل از ۶/۵ فرزند به ۲/۵ فرزند برسد. حالا اتفاقات بعدی روند کاهش سطح باروری در جمعیت شناسی چگونه تعریف و بیان می‌شود.

قبل از آنکه پرسیده شود در چه سالی رشد جمعیت صفر (تعداد موالید برابر تعداد فوت) و رو به منفی (تعداد موالید کمتر از تعداد فوت) خواهد شد؟ باید ببینیم جمعیتی که حاصل کاهش باروری دهه‌های ۷۰ و ۶۰ می‌باشد دارای چه ساختمان سنی و جنسی است و گذار سنی به چه شکلی است؟ گذار سنی را بدین شکل بیان و تعریف می‌کنند که یک گذار سنی جمعیت در مسیر کامل شدن همه‌ی آثارش در یک جمعیت، از آن سالی که باروری بالا بوده شروع به کاهش می‌کند و در این جهت نیز مرگومیر شروع به کاهش می‌کند. کامل شدن این گذار سنی حداکثر ۱۵۰ سال طول می‌کشد، ولی این مدت در مورد ایران حداکثر نصف خواهد شد و ۷۵ سال طول خواهد کشید که الان حدود ۳۰ سال آن سپری شده است و حدود ۴۵ سال آن باقی مانده است. یعنی با این وضعیت حدود سال ۱۴۳۰ رسماً موازنه برقرار است. به عبارتی تعداد ولادت و فوت مساوی خواهد بود؛ یعنی رشد جمعیت صفر خواهد شد و از آن سال به بعد هم رو به منفی خواهد شد.

طبق اولین بررسی‌ها مشخص شد که مرحله‌ی اول انتقال سنی جمعیت ایران سال ۱۳۸۹ کامل شده است و نوجوانان و کودکان تعدادشان کاملاً کاهش یافته است. سرشماری سال ۱۳۹۰ نیز این نظر را تأیید می‌کند. مرحله‌ی دوم انتقال جمعیتی را مرحله‌ی جوانی جمعیت می‌گویند. با توجه به افزایش باروری اوایل دهه‌ی ۶۰ جمعیت ایران از سال ۱۳۷۵ (اگر آغاز سن جوانی را طبق جمعیت‌شناسی ۱۵ سال تعریف کنیم) وارد دوره‌ی جوانی شده است.



جمعیت داشته است؛ مثلاً شتاب قابل ملاحظه‌ای برق‌رسانی به روستا و نیز دسترسی روستاییان به رسانه‌ها موجب افزایش آگاهی‌های آنان شد. علاوه بر این در بعد از انقلاب ما شاهد شتاب باسواد به‌ویژه در بین زنان هستیم. همچنین درصد افراد دارای تحصیلات عالی به‌ویژه زنان افزایش چشمگیر یافته است. به‌علاوه جاده‌سازی، ایجاد راه‌ها و گسترش ارتباطات و مجموعه تحولات فوق، به نوعی موجب ارتقاء آگاهی‌ها شد، در نتیجه آرمان‌های شهری و روستایی در مورد تعداد فرزند، مشابه هم شده است. در مورد تعداد فرزندان، دیدگاه‌های جمعیت روستایی بیش از گذشته به جمعیت شهری نزدیک شده است.

نتایج سرشماری‌های سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان داد که بعد خانوار کاهش یافته است. برخی کاهش بعد خانوار را دلیل بر کاهش باروری می‌دانند. نکته‌ی مهم این است که کاهش بعد خانوار تنها در اثر کاهش میزان باروری نیست، بلکه تحت تأثیر عوامل اجتماعی اقتصادی فرهنگی مختلفی قرار دارد؛ به عنوان مثال گذار از خانواده‌ی گسترده به خانواده‌ی هسته‌ای تحت تأثیر نوگرایی خانواده‌ها از بعد خانوار می‌کاهد. زوج‌های جوان امروزی با تشکیل خانواده تمایلی به زندگی کردن با والدین همسر را ندارند، در نتیجه میانگین تعداد افراد در خانوار علاوه بر تأثیرپذیری از کاهش باروری در اثر عوامل فوق نیز کاهش یافته است. نگاه به مسائل جمعیتی در موقعیت امروزی کشور چنانچه با توجه به اولویت‌ها باشد، نگرانی‌ها از کاهش باروری کم‌رنگ خواهد شد.

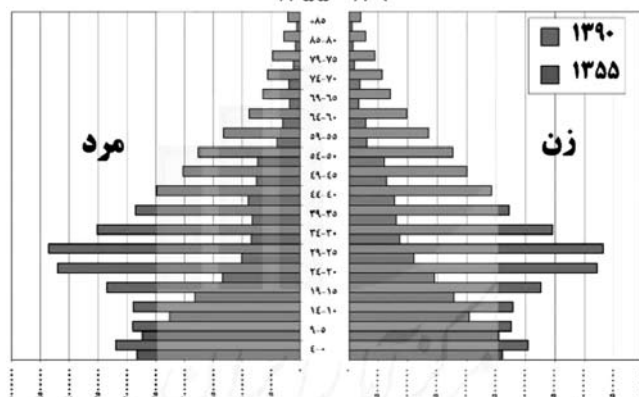
نیز توجه شود. بالاخره از نظر خانواده‌ها هم با نوسانات اقتصادی و افزایش قیمت‌ها تربیت یک فرزند به این سادگی نیست. اما در مورد پنجره‌ی جمعیتی باید عرض کنم که بعضی از متفکرین اقتصادی معتقدند که فرصت جمعیتی به‌طور کامل در رشد اقتصاد تأثیر ندارد، اما ما باید بتوانیم این موضوع را درست مدیریت کنیم؛ زیرا هیچ‌یک از دانشمندان اقتصادی منکر تأثیر فرصت پنجره‌ی جمعیتی نشده‌اند؛ مثلاً در آسیای جنوب شرقی ۲۵ درصد از رشد اقتصادی آن‌ها ناشی از این فرصت یا سود جمعیتی است که این کشورها در افزایش جمعیت داشته‌اند. ما هم می‌توانیم از این فرصت بهره‌مند شویم. این فرصتی است که از سال ۱۳۸۴ در کشور ما شروع شده است.

کتاب ماه: چه تفاوتی بین کاهش باروری دوره‌های مختلف وجود دارد؟ جمعیت‌شناسان امروز از ضرورت بهره‌گیری از پنجره‌ی جمعیتی یا فرصت طلایی صحبت می‌کنند با توجه به پتانسیل‌های جمعیت کنونی برای ساختار جمعیتی کشور کاربست چه سیاست‌هایی بهتر و مفیدتر خواهد بود؟

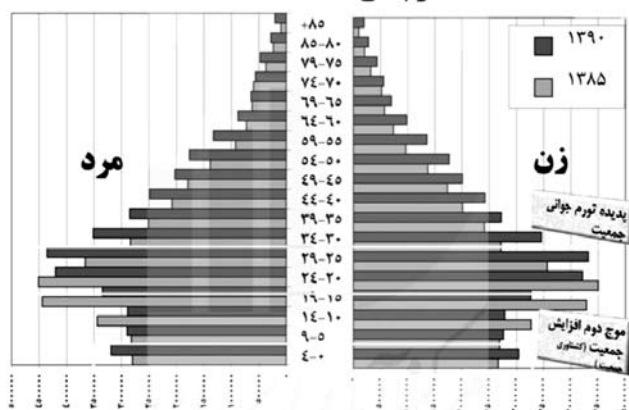
■ دکتر معینی: تجربه‌ی کاهش باروری قبل از انقلاب به لطف آگاهی عمیق زوج‌ها حاصل نشده بود. در آن زمان زوج‌های کم سواد و بی‌سواد با روش‌های مدرن پیشگیری از باروری آشنایی نداشتند. به رغم آنکه بعد از انقلاب اسلامی تا چند سال، سیاست جمعیتی در محاق فراموشی قرار گرفت، ولی اقدامات عمرانی زیادی که انجام شد به‌طور غیرمستقیم نوعی اثر کاهشی بر روند شتاب افزایش

در آسیای جنوب شرقی ۲۵ درصد از رشد اقتصادی آن‌ها ناشی از این فرصت یا سود جمعیتی است که این کشورها در افزایش جمعیت داشته‌اند. ما هم می‌توانیم از این فرصت بهره‌مند شویم. این فرصتی است که از سال ۱۳۸۴ در کشور ما شروع شده است.

تغییرات ساختمان سنی جمعیت یک نسل ایرانی: ۱۳۵۵-۱۳۹۰



هرم سنی: ۱۳۸۵-۱۳۹۰



حتی اگر فرزندان کمی به دنیا بیاورند، موجب جلوگیری از کاهش رشد جمعیت خواهند شد. بنابراین توجه به مسائل روز جمعیتی، اهمیتی به مراتب بیشتر از نگرانی کاهش باروری دارد که شاید این کاهش در چند دهه‌ی دیگر مشکلی در پی داشته باشد.

■ **نورالهی:** چند مسئله را باید مورد توجه قرار داد؛ اول اینکه باید پنجره‌ی جمعیتی که به‌وجود آمده است را به‌درستی مدیریت و هدایت کنیم و دوم اینکه در گذار ساختار سنی، همواره به نسبت‌ها و سهم گروه‌های مختلف جمعیتی حساس باشیم. مرحله‌ی اول سنی گذار جمعیتی را پشت سر گذاشته‌ایم، اما در مورد مراحل دوم و سوم باید گفت که به پایه‌ی هرم سنی جمعیت کشور توجه لازم را داشته باشیم. به عبارت دیگر باید هر دو مراحل را همزمان مدیریت و به آن توجه کنیم. یکی از نیازهای جامعه برای بقا و تولیدمثل حداقل، به اندازه‌ی شاخص جایگزینی است. به نظر من سیاست‌های موجود جمعیتی کشور نیاز به بازنگری دارد و بازنگری‌ها باید با توجه به درس‌های گرفته شده از تجربیات و پرهیز از سیاست‌های افراط و تفریط انجام شود. اگر هر گروه سیاست خود را در پیش بگیرد، در نتیجه نگرانی‌ها در خصوص نبود سیاست‌های جمعیتی جامع، کارآمد و مؤثر در کشور ادامه خواهد داشت.

توجه بر اولویت‌ها اقتضا دارد که به مسائل جمعیتی نسلی پرداخته شود که حاصل از رشد شتابان جمعیت در دهه‌ی اول انقلاب است؛ این همان نسلی است که به هنگام تولد، تهیه‌ی شیر خشک برای آنان از مسائل کشور بود و با رسیدن به سن مدرسه، دبستان‌ها چند نوبته شد و مدرسه‌سازی شتاب گرفت. با رسیدن به سن دانشگاه برای این نسل تعداد زیادی به مراکز تحصیلات عالی کشور افزوده شد. این نسل که امروزه جوان‌ترین آنان دهه‌ی دوم زندگی خود را پشت سر گذاشته‌اند، در اصطلاح جمعیت‌شناسی تشکیل‌دهنده‌ی پنجره‌ی جمعیتی (demographic window) هستند. استفاده از نیروی بالقوه‌ی پنجره جمعیتی در برخی از کشورهای آسیای جنوب شرقی، موجب شتاب توسعه‌یافتگی شد. استفاده‌ی بهینه از این نیروی بالقوه مورد توصیه است. علاوه بر آن ایجاد فرصت‌های شغلی، تسهیلات در تشکیل خانواده و حمایت در تهیه‌ی مسکن و سایر امکانات رفاهی برای نسل حاصل از باروری شتابان گذشته اهمیت زیادی دارد. علاوه بر آن از هم‌اکنون برنامه‌ریزی‌های لازم در زمینه‌های مختلف برای تأمین دوران سالخوردگی آنان می‌بایستی مورد توجه خاص قرار گیرد.

نکته‌ی دیگری که موجب رفع نگرانی از کاهش رشد جمعیت می‌شود، این است که این نسل به علت آنکه تعدادشان زیاد است،